

سیاست حزب کمونیست کارگری در تظاهراتهای خارج کشور

کوروش مدرسی



پلاکارد، باند پیشانی، نقاشی روی صورت و غیره از یک طرف و جذب مردم به سیاست و رهبری حزب انجام شود.

۵- سیاست ما در همه اعتراضات علاوه برقراری ارتباط منظم با مردم، کشیدن آنها به خانهای حزب، عضوگیری و جمع آوری کمک مالی است. تشکیلاتهای ما باید برای این اهداف سازماندهی کنند. یک شاخص مهم در موفقیت ما تعداد ارتباطات جدید، تعداد اعضای جدید و مقدار کمک مالی جمع آوری شده است. ۶- تشکیلات خارج کشور باید برای پاسخ گویی به نیازهای این دوره بخصوص بسرعت سازمان و سبک کار خود را تغییر دهد.

حزب کمونیست کارگری حاضر به پذیرش محدودیت در پلاکاردها، شعارها و باندولهای خود نخواهد بود.

۳- حزب کمونیست کارگری در تظاهرات احزاب سیاسی دیگر، بویژه اپوزیسیون راست، و تشکیلاتی پایداری که بمثابة حزب سیاسی راست عمل میکنند شرکت نمیکند. در همان حال سازماندهندگان و آژیتاتورهای محلی ما از هر تجمع مردم برای تبلیغ نظرات حزب و جلب تعداد هرچه وسیعتری از شرکت کنندگان به حزب استفاده میکنند. تشکیلاتهای محلی حزب باید در این رابطه سیاست بشدت فعالی را در پیش بگیرند. ما وارد اتحاد عملها و یا ائتلافهای سیاسی نمیشویم.

۴- سیاست ما در همه تظاهرات ها و میتینگ ها این است که تعداد هرچه بیشتری پرچمهای و شعارهای حزب وجود داشته باشد. ما مانع آوردن پرچم سه رنگ نمیشویم اما بشیوه سیاسی بطور فعال علیه آن کار میکنیم. و تلاش میکنیم تا مردم هرچه بیشتر پرچمهای غیر قومی و انسانی حزب را بردارند. یک شاخص پیشرفت برای ما تغییر رنگ این تظاهرات از مخلوط پرچم ما و پرچم سه رنگ به سیطره پرچم ماست. این کار باید با تامین فیزیکی ماتریال برای مردم در اشکال گوناگون، پرچم،

انجام میشود، را از اهمیت برخوردار میکند. حزب کمونیست کارگری در برخورد با این واقعیت نکات زیر را مبنای سیاست خود در قبال تظاهراتهای خارج کشور قرار میدهد: ۱- حزب کمونیست کارگری خود راسا تلاش میکند تا وسیعترین تظاهراتها مردم علیه جمهوری اسلامی را حول "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "آزادی و برابری" سازمان دهد. تظاهراتهای اعلام شده توسط حزب کمونیست کارگری تظاهرات فراگیر و متحد کننده حول خواست سرنگونی جمهوری اسلامی و تامین آزادی و برابری خواهند بود. حزب با همه شعارها و باندولها و پلاکاردهای خود به این تظاهراتها میروند و مانع از آن نخواهد شد که جریانهای دیگر با باندولهای خود در تظاهراتهای حزب شرکت کنند مشروط بر آنکه هدف تظاهرات، شعارهای اصلی آن و قطعنامه آن مخلوش نگردد.

۲- حزب کمونیست کارگری در تلاش کمیتهها و تشکلهائی که برای سازمان دادن تظاهراتها و به میدان کشیدن مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی بوجود می آید فعالانه شرکت میکند مشروط بر اینکه این تظاهراتها پلاقرمی برای دامن زدن به قومپرستی و یا تبلیغ فرماند در مقابل تلاش مستقیم مردم برای سرنگونی نباشد.

با تغییر اوضاع سیاسی در ایران و تبدیل جنبش سرنگونی به بستر اصلی اعتراض در خارج کشور نیز ایرانیان آزادیخواه در ابعاد بسیار وسیع با خواست سرنگونی جمهوری اسلامی دست به اعتراض میزنند. حزب کمونیست کارگری ایران باید در خارج کشور تضمین کند که اعتراض مردم برای آزادی و رهائی و برای سرنگونی جمهوری اسلامی انجام میشود. حزب کمونیست کارگری باید محمل و پرچم اتحاد مردم برای این هدف شود و مانع از آن گردد که اپوزیسیون راست به این اعتراض رنگ قوم پرستانه و ناسیونالیستی بزند و یا با شعارهایی نظیر فرماند آترا به ابزاری برای ساخت و پخت از بالا تبدیل کند. شکست دوم خرداد و عروج جنبش سرنگونی پیش از هر نیروی سیاسی دیگری با حزب کمونیست کارگری ایران تداعی میشود. این حزب طبیعیترین رهبر این جنبش است و باید این جنبش را رهبری کند. به میدان آمدن وسیع مردم در خارج کشور، مردمی که سنتا خارج از دسترس مستقیم احزاب سیاسی بودنداند چگونگی رفتار با تظاهراتهای غیر سازمانی و تظاهراتهایی که در چهارچوب عمومی سرنگونی جمهوری اسلامی



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

اطلاعیه پایانی نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

حکمت در مجموعه ای از مراسمها و اقدامات مختلف معرفی شوند و این شخصیت عظیم ارج گذاشته شود.

قرار در قهردانی از آذر ماجدی
دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران، از ابتکار و کوشش های پیگیر رفیق آذر ماجدی در پیشبرد پروژه مهم ساختن و نصب مجسمه منصور حکمت در گورستان های کیت و در کنار مجسمه مارکس تقدیر میکند.

متن قرارها
قرار در مورد هفته منصور حکمت
دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران بمنظور بزرگداشت منصور حکمت هفته ۱۱ تا ۱۷ خرداد (۱ تا ۷ ژوئن)، هفته ای که ۱۴ خرداد روز تولد منصور حکمت در آن قرار میگیرد، را بعنوان هفته منصور حکمت اعلام میکند. حزب کمونیست کارگری ایران تلاش خواهد کرد که در این هفته در ایران و خارج کشور دستاوردهای عظیم زندگی منصور

جدید سیاسی در ایران و عملکرد و موقعیت برجسته حزب در این شرایط را بررسی کرد و پیشرویها و دستاوردهای حزب در این دوره فعالیت را مورد تاکید قرار داد. در این جلسه همچنین یک قرار درباره برگزاری هفته بزرگداشت منصور حکمت در سالگرد تولد او و قرار دیگری در قهردانی از آذر ماجدی بخاطر نقشش در ساختن و نصب پیکره منصور حکمت در هایگیت لندن به رای گذاشته شد و هر دو قرار باتفاق آرا به تصویب رسیدند. در پایان مجددا حمید تقوائی بعنوان رئیس دفتر سیاسی باتفاق آرا انتخاب گردید.

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در تاریخ ۱۹ و ۲۰ ژوئیه ۲۰۰۳ (۲۸ و ۲۹ تیر ۱۳۸۲) با شرکت اکثریت اعضای دفتر سیاسی و کوروش مدرسی لیبر حزب برگزار شد. جلسه با گزارش کوروش مدرسی در مورد عملکرد هیات دبیران در فاصله بین دو نشست کار خود را آغاز کرد. دفتر سیاسی در بحث پیرامون گزارش که عمدتا به فعالیتها و سیاستهای حزب در قبال خیزش توده ای اخیر در ایران و خارج کشور اختصاص داشت و همچنین در بحث در مورد وضعیت سیاسی ایران پس از خیزش اخیر و تظاهرات های گسترده ۱۸ تیر در خارج کشور، که از دیگر مفاد در دستور بود، به تفصیل وضعیت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۷۱

۱۰ مرداد ۱۳۸۲
۱ اوت ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود
www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تولد انقلاب و دیپرسیون
سیاسی سلطنت طلبان!
صفحه ۲

تولد انقلاب و دیپرسیون سیاسی سلطنت طلبان!

علی جوادی



یکی از پیامدهای دور جدید اعتراضات توده‌های مردم مبتلا شدن نیروهای دست راستی و محافظه کار و مشخصاً سلطنت طلبان به یک دیپرسیون سیاسی است. برای پی بردن به علل این باید نگاهی به مختصات پرچم جنبش ناسیونالیسم بورژوازی پرو غربی در شرایط سیاسی حاضر و ویژگی‌های اعتراضات اخیر انداخت. جنبش ناسیونالیسم محافظه کار "پرو غربی" یا پرچم "مبارزه غیر خشونت آمیز نافرمانی مدنی"، "زفراندوم"، "امروز فقط اتحاد"، و "تغییر رژیم آمریکا" مشخص می‌شود. این جنبش به لحاظ اقتصادی تماماً مدافع بازار آزاد و الگوهای اقتصادی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و سیاست ریاضت اقتصادی است. به لحاظ سیاسی تماماً ضد کمونیست و ضد کارگر و ضد انقلاب است. خواهان هم‌ومونی اقتصادی و سیاسی و نظامی آمریکا بر ایران است. این جنبش ارتجاعی با شروع جنگ آمریکا علیه عراق تحرکی جدی از خود نشان داد. نشان داد که برای تغییر رژیم اسلامی چشم امیدش به کودتا و بند و بست و سیاست "تغییر رژیم" آمریکا است. به امید تکرار این سناریو و یا سناریوهای مشابه، چه "مدل عراق" و چه "مدل یوگوسلاوی"، ناشیانه اعتماد به نفسی زودرس را به نمایش گذاشت. برخی شتابان به واکنش رفتند تا امضای خود را بر روی موشک‌های کروز و تاماهاک و بمب افکنهای ب ۵۲ قرار دهند تا شاید تکه استخوانی از فردای قدرت ایران نصیبشان شود. اما اعتراضات مردم در فاصله ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر آب سردی بر این تصورات و اهداف ریخت. چگونه؟

مساله اساسی هر انقلابی قدرت سیاسی حاکم است. اعتراضاتی که از ۲۰ خرداد آغاز شد و تا ۱۸ تیر ادامه پیدا کرد، شهرهای بسیاری را در بر گرفت و صدها هزار نفر را به خیابانها کشید. بدون واسطه و مستقیماً اساسی‌ترین خواست مردم یعنی سرنگونی قدرت سیاسی حاکم را در مرکز ثقل تحرک خود قرار داد. این اعتراضات سرآغاز فصل جدیدی در جنبش توده‌های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی شد، سرآغاز انقلابی دیگر در تاریخ تحولات سیاسی ایران. تلاطمات و کشمکشهای سیاسی جامعه پدید آمد جدیدی را وارد معادلات سیاسی ایران کرد. انقلاب! انقلابی برای خلاصی از شر رژیمی تا مغز استخوان مرتجع، ضد زن، ضد زندگی، تماماً استبدادی و استثمارگر. حرکت مردم نشان داد که جامعه پاسخ خود را به یکی از گرهی ترین مسائل پیشروی خود دارد. مکانیسم سرنگونی رژیم اسلامی پاسخ خود را گرفت. مردم انتخاب خود را کردند. مردم اعلام کردند که انقلاب شیوه از سر راه برداشتن حکومت اسلامی است. تولد انقلاب اگر چه پر و پیچ و خم بود و اگر چه پس از چهار سال از ۱۸ تیر ۷۸ پا به عرصه حیات گذاشت. اما آغازش در تحولات کنونی ایران سرنوشت ساز و حساس و تاثیرش بر تحولات آتی جامعه تاریخساز است. انقلاب در اولین جلوه‌های بروز خود اپوزیسیون راست را در یک دیپرسیون سیاسی فرو برد زیرا شیوه آنها را برای "تغییر رژیم" بکلی زیر سوال برد، و مولفه‌های اصلی تعیین کننده پروژه راست برای تغییر و تحولات آتی و قدرت گیری در جامعه را بی اعتبار کرد. از اینرو بر شکافها و تضادهای این صف افزود. بی دلیل نیست که رضا پهلوی در صفوف خودش مورد نقد و بی اعتباری بیشتر قرار گرفته است.

اپوزیسیون راست و سلطنت طلب بمنظور مقابله و رو در رویی با انقلابی کارگری که مدعی رهبری و هدایت اعتراضات مردم است با پرچم مبارزه "غیر خشونت آمیز نافرمانی مدنی" به میدان آمده بود. در این چهارچوب، نافرمانی مدنی حد مجاز قالب و محدوده مبارزات مردم را تعیین می‌کرد. از پیش روشن بود که برای مقابله با نیرویی علم شده است که به جنگ بنیادهای مشقت و مصائب مردم رفته است. هدف این مقابله این است که ریشه فلاکت مردم یعنی مناسبات سرمایه‌داری و کار مزدی را از گزند تحولات مصون

نگهدارد. از اینرو باید مصائب مردم را به پای انقلاب در جامعه مینوشتنند. حکومت سیاه اسلامی را محصول انقلاب معرفی می‌کردند. انقلاب مترادف خشونت و دیکتاتوری و خونریزی قلمداد می‌شد، و هر تحول انقلابی زمینه ساز یک نظام سیاسی دیکتاتوری دیگر. در این چهارچوب انقلاب هر چیز بود به غیر از آنچه که واقعا هست. در چهارچوب آنها انقلاب دیگر جشن توده‌های مردم نیست، اراده دسته جمعی انسانها برای تغییرات بنیادی نیست، و تلاشی بزرگ برای ایجاد یک سازمان نوینی اجتماعی نیست. کوشیدند با تبلیغات زمینه هرگونه شکل گیری تحولی انقلابی را کور کنند. و چه بسته بندی بهتر از "نافرمانی مدنی"؟ گاندی و مارتین لوتر کینگ و توکویل و کلکسیونی از تئوریسینهای بورژوازی به مدد گرفته شدند تا مردم متوسل به تغییرات ریشه‌ای و پایامی نشوند، و تحولات در محدوده قابل تحمل راست شکل بگیرد و به پیش برده شود. از نظر اپوزیسیون راست، مردم باید تا زمانی در خیابانها باشند و تا زمانی اعتراض کنند که تغییر و تحولاتی در صفوف طبقه حاکمه صورت بگیرد و به سرانجام رسد، و باید مراقب بود که کوچکترین خدشهای به ارکان حاکمیت طبقاتی، ارتش و سپاه و بسیج، وارد نشود. اما تولد انقلاب این سناریو را کنار زد. مردم انقلابی قدرت خود را در خیابانها به نمایش گذاشتند. سرنگونی را فریاد زدند، و برای متحقق کردنش زمین را زیر پای رژیم اسلامی داغ کردند.

ماحصل "نافرمانی مدنی" قرار بود خود را در تسلیم رژیم اسلامی به "زفراندوم" برای تعیین نوع حکومت آتی نشان دهد. در شعبده بازی اپوزیسیون راست مردم نافرمانی مدنی میکنند، و فریاد میزنند "زفراندوم، زفراندوم، این است شعار مردم، متعاقباً رژیم تسلیم میشود و یک روز آفتابی برای تعیین نظام آتی تحت نظارت سازمان ملل برگزار میشود. مردم رای خودشان را ابراز میکنند،

رژیم کلید زندانها را تحویل آقایان میدهد، اسلحه هایش را زمین میگذارد، بساط لفت و لیس و چپاول و دزدی و سنگسار و اعدام و زندان و دستهای اوباش انصار برچیده میشود، تا بساط دیگری از استثمار و استبداد بر پا شود. بدون اینکه کارگر و زحمتکش امکان ابراز وجود پیدا کنند، معادلات و سازشهای سیاسی را بر هم زند، بدون اینکه مردم مزه آزادی همه جانبه را بچشند، بدون اینکه اسلحه از دست اوباش گرفته شود و در دست مردم برای حفاظت از آزادیشان قرار داده شود، بدون اینکه کارگر فرصت پیدا کند به ساحت "مقدس" سرمایه تعرض کند، و بدون اینکه حزب کارگران و حزب آزادیخواهی و حزب سوسیالیسم به جلوی صحنه رانده شود. چنین سناریوی مضحکی در اولین گام اجتماعی انقلاب رنگ باخت. اگر شکست دوم خرداد نشان داد که کلاه اصلاح پذیری هیولای رژیم اسلامی سر مردم نرفت، اعتراضات اخیر به همگان اثبات کرد که کلاه زفراندوم اپوزیسیون راست هم سر مردم نمی‌رود.

اما دلایل سیاسی دیپرسیون راست تنها محدود به عروج انقلابی از دل جنبش مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی نیست. این تحولات نیروی سیاسی خود را به جلوی صحنه سیاست سوق میدهد. و برخلاف سالهای ۵۷ این تحولات در سطح نیروهای سیاسی توسط حزب کمونیست کارگری نمایندگی میشود. حزب کمونیست کارگری این انقلاب برای رهایی مردم است. نیرویی است که سالهاست خود را برای این دوران آماده کرده است. سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر و رهبری مبارزات مردم فلسفه وجودی حزب کمونیست کارگری است. انقلاب پیروزی به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

دیپرسیون سیاسی راست و

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری
را بخوانید

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!